

در آمدی بر زمینه‌های پیدایش و مبانی عقیدتی مسیحیت صهیونیستی

احمد دوست محمدی*

استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

محمد رجبی

کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

(تاریخ دریافت: ۱۷/۷/۸۷ - تاریخ تصویب: ۱۷/۹/۸۷)

چکیده:

مسیحیت صهیونیستی به مثابه یک جریان افراطی مسیحی با تکیه بر تفاسیر تحت‌اللفظی از متون کتاب مقدس، خواهان تحقق پیشگویی‌های کتاب مقدس براساس عقاید تقدیرگرایانه خویش است تا از این طریق زمینه را برای ظهور مسیح (ع) در آخرالزمان فراهم آورد. به اعتقاد این گروه خداوند مقرر کرده است. بشر باید هفت مرحله یا مشیت را از سر بگذراند تا به ظهور مسیح (ع) در آخرالزمان برسد. زمینه‌های پیدایش مسیحیت صهیونیستی به پروتستانتیسیم و پیورتانیتیسیم بازمی‌گردد. چرا که تا پیش از آن و در دوران حاکمیت کلیسای کاتولیک، همواره یهودیان، قاتلان مسیح دانسته می‌شدند اما با وقوع پروتستانتیسیم، نهضت اصلاح دینی به رهبری لوتر با بیان ریشه‌های عبرانی مسیحیت به ستایش از یهودیان پرداخت و این فرایند توسط فرق منشعب از آن به ویژه پیورتانیتیسیم ادامه یافت. ما در این مقاله خواهیم کوشید با بررسی ریشه‌های پیدایش و مبانی عقیدتی مسیحیت صهیونیستی، زمینه برای شناخت هرچه بهتر جریان مسیحیت صهیونیستی فراهم آید.

واژگان کلیدی:

مسیحیت صهیونیستی - پروتستانتیسیم - پیورتانیتیسیم - تقدیرگرایی - آرماگدون - هزاره‌گرایی - ایالات متحده آمریکا - اسرائیل - یهود - مسیح (ع)

مقدمه

به دنبال سوءقصد‌های ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و با طرح استراتژی «جنگ علیه تروریسم»، اسرائیل توانست با متحد قلمداد کردن خود در این جنگ، اصلی‌ترین توجیه استراتژیک حمایت آمریکا از خود را فراهم آورد. در این توجیه، چنین به نظر می‌رسید که آمریکا و اسرائیل به دلیل برخورداری از ارزش‌های دموکراتیک یکسان، مورد تهدید گروه‌های مشابه تروریستی می‌باشند و دشمنان اسرائیل، دشمنان آمریکا نیز هستند. در نتیجه واشنگتن باید ضمن حمایت همه‌جانبه از اسرائیل، کارت سبز را به این کشور برای فائق آمدن بر تروریست‌ها نشان دهد. اما با شکست رژیم صهیونیستی در جنگ سی و سه روزه لبنان، و طرح این مسئله که این رژیم خود باعث آمریکا ستیزی گسترده در خاورمیانه شده است پاره‌ای از تحلیل‌گران غربی بیان داشتند که اسرائیل بیش از آنکه متحد استراتژیک آمریکا باشد سربار استراتژیک آن است این کشور نه تنها نتوانسته بر گروه‌های مخالف فائق آید بلکه خود به علتی در شکل‌گیری این گروه‌ها بدل شده است. حال، این سؤال ذهن پژوهشگران را به خود معطوف داشته که اگر اسرائیل نمی‌تواند منافع ملی ایالات متحده را به نحو احسن تأمین نماید، پس چه دلایلی سبب می‌شود تا آمریکا فراتر از منافع ملی خود به حمایت از اسرائیل دست زند؟ این حمایت‌ها تا به آنجا پیش رفته است که پاره‌ای از نویسندگان اسرائیل را ایالت ۵۱ آمریکا دانسته‌اند (Bowers, 2005) و برخی دیگر پا را فراتر نداشته ایالات متحده را مستعمره اسرائیل می‌دانند؟ (گارودی، ص ۲۱).

در پاسخ به این سؤال، دکتر جان مرشایمر، استاد دانشگاه شیکاگو و دکتر استفان والت، استاد دانشگاه هاروارد با انتشار کتابی جنجالی به نام «لابی اسرائیل و سیاست خارجی ایالات متحده» این مسئله را طرح کردند که مثلث قدرتی در ایالات متحده مرکب از سه ضلع یهودیان، محافظه‌کاران و مسیحیان صهیونیست وجود دارد که همواره ایالات متحده را به حمایت از اسرائیل فراخوانده است.^۱

پیش از این، مطالب فراوان درباره دو ضلع نخست یعنی یهودیان و محافظه‌کاران به فارسی تألیف شده است اما مسیحیان صهیونیست کمتر مورد توجه واقع شده‌اند. از همین روی، در این مقاله خواهیم کوشید تا ضمن تعریف مفاهیم و متغیرهای مورد استفاده با بررسی ریشه‌های پیدایش و مبانی عقیدتی مسیحیت صهیونیستی، زمینه برای شناخت هرچه بهتر جریان مسیحیت صهیونیستی فراهم آید.

۱. برای مطالعه بیشتر رج:

John J. Mearsheimer And Stephen M. Walt, 2007, *The Israel Lobby And U.S. Foreign Policy*, USA: Farrar, Straus and Giroux.

تعریف مفاهیم و متغیرها

مسیحیت (Christianity)؛ که اشاره به آئین پیروان حضرت عیسی مسیح (ع) دارد که در ابتدای حیاتش به مثابه ایمانی نو شناخته نمی‌شد بلکه جریانی اصلاح‌گر و مکمل ایمان یهودی شناخته می‌شد.^۱ به همین جهت است که ویل دورانت در جلد سوم کتاب "تاریخ تمدن: قیصر و مسیح" از این دوران با عنوان دوران "مسیحیت یهودی" یاد می‌کند (دورانت، چاپ دوم: ۱۳۶۷). اما با عروج مسیح (ع)، مسیحیت به تدریج از یهودیت فاصله گرفت و جامه آیینی نو پوشید. جیمز هاکس، نویسنده کتاب «قاموس کتاب مقدس»، ظهور مسیحیت را در سال ۴۲ و ۴۳ میلادی می‌داند (هاکس، ص ۸۰۸). کتاب مقدس نیز به این امر اینگونه تصریح دارد:

«[برنابا] وقتی او [پولس] را پیدا کرد به انطاکیه آورد و هر دو یک سال در انطاکیه ماندند و عده زیادی از نوایمانان را تعلیم دادند. در انطاکیه بود که برای نخستین بار پیروان عیسی مسیح را "مسیحی" لقب دادند» (کتاب مقدس، اعمال رسولان، ۱۱: ۲۶).

مسیحیت دارای سه فرقه اصلی است که عبارتند از: کاتولیک، پروتستان و ارتدکس. «مذهب کاتولیک [...] ریشه‌دارترین مذهب مسیحی است. سابقه مذهب ارتدوکس [...] نیز] به اواخر قرن پنجم میلادی، زمانی که امپراطوری وسیع روم، به شرقی و غربی تقسیم شد [برمی‌گردد. در این زمان] کلیسای شرقی، نام ارتدوکس به خود گرفت. پروتستان [...] هم] عنوانی برای حرکتی اجتماعی - مذهبی در جهت رفع پاره‌ای بدعت‌ها در آیین مسیحیت و انجام اصلاحاتی در این آیین با هدف بازگشت به تعلیمات واقعی کتاب مقدس و آیین مسیحیت بود» (عزیزان، شماره ۵۹).

صهیونیسم (Zionism): به لحاظ لغوی از صهیون که نام یکی از تپه‌های باستانی بیت‌المقدس است، گرفته شده است و در اواخر قرن نوزدهم برای توصیف حرکت ملی‌گرایانه!! قوم یهود بکار گرفته شد. صهیونیسم همزمان با تشکیل نخستین کنگره صهیونیسم در سال ۱۸۹۷ که با تلاش‌های فراوان تئودور هرتزل در شهر بال سوئیس تشکیل گردید، صورت عملی به خود گرفت و در همین کنگره بود که «صهیونیسم تلاش کرد تا برای مردم یهودی وطنی[!!] در فلسطین ایجاد نماید که بوسیله قانون عمومی [حکومت] حفظ شود». (Encyclopedia Britanica) صهیونیسم را می‌توان در قالب دو جریان صورتبندی کرد: صهیونیسم یهودی و صهیونیسم غیریهودی که قسم دوم خود جریانات دیگری را که از جمله آن‌ها مسیحیت صهیونیستی است، شامل می‌شود.

۱. سخنان عیسی مسیح (ع) خود گواهی بر این مدعاست: کتاب مقدس، انجیل متی، ۵: ۱۷-۲۰.

مسیحیت صهیونیستی (Christian Zionism): با در کنار هم قرار دادن شاخصه‌های گوناگون که افراد، مؤسسات و دایره‌المعارف‌ها از مسیحیت صهیونیستی ارائه کرده‌اند، این جریان را می‌توان به این شرح تعریف کرد: "مسیحیت صهیونیستی یک جریان افراطی مسیحی است که با تکیه بر تفاسیر تحت‌اللفظی از متون کتاب مقدس خواهان تحقق پیشگویی‌های کتاب مقدس براساس عقاید تقدیرگرایانه خویش است تا از این طریق زمینه را برای ظهور مسیح (ع) در آخرالزمان فراهم آورد."

اگرچه مسیحیت صهیونیستی از اوایل قرن بیستم به یک جریان قابل تعریف تبدیل شد، اما دارای ریشه‌هایی سترگ در گذشته است؛ ریشه‌هایی که می‌توان آن را در پروتستانتیسم و پیوریتانیسم جستجو کرد.

زمینه‌های پیدایش «مسیحیت صهیونیستی»

زمینه‌های پیدایش مسیحیت صهیونیستی به پروتستانتیسم (Protestantism) و پیوریتانیسم (Puritanism) بازمی‌گردد؛ چرا که تا پیش از آن و در دوران حاکمیت کلیسای کاتولیک یهودیان همواره به عنوان قاتلان مسیح^۱ در نظر گرفته می‌شدند. اما با وقوع پروتستانتیسم، این نگرش در حاشیه قرار گرفت و مارتین لوتر رهبر این نهضت متأثر از ریشه‌های عبرانی مسیحیت و با هدف ترغیب یهودیان جهت پیوستن به پروتستانتیسم^۲ در کتابش «مسیح یک یهودی زاده شد»^۳ به ستایش از یهودیان پرداخت. او در این کتاب «به ترویج ایده نژادپرستانه برگزیدگی و برتری قوم یهود نسبت به سایر اقوام و ملل روی زمین» (دوست محمدی، ص ۴۱) پرداخت. در این کتاب «ضمن طرح اینکه یهودیان جهت رسانیدن پیام خداوند به تمامی جهانیان انتخاب شده‌اند، آن‌ها را مورد ستایش قرار داد و نوشت: «یهودیان حامل برترین خون‌ها در رگ‌های خود هستند. روح‌القدس به واسطه آن‌ها کتاب مقدس را به اقصی نقاط دنیا برد. آن‌ها فرزندان خدایند. ما در مقایسه با آن‌ها بیگانه‌ایم. همانطور که در داستان زن کنعانی آورده شده است ما همچون سگانی هستیم که از خرده نان‌های بر زمین ریخته اربابان خود ارتزاق می‌کنیم.» [...]

لوتر پاپ و اسقف‌ها را مردمانی دیوانه می‌خواند. [...] و می‌گفت: اگر من یهودی بودم و

۱. نام بردن از یهودیان به عنوان قاتلان مسیح ریشه در متون کتاب مقدس دارد. برای اطلاع بیشتر رج: کتاب مقدس، متی، باب ۲۷، آیات: ۱ تا ۲۷.

۲. پاره‌ای از نویسندگان با اشاره به اینکه لوتر در پایان عمر خویش مطالبی را در ضدیت با یهودیان به رشته تحریر درآورد معتقدند که آنچه سبب شد تا وی در این کتاب به ستایش از یهودیان بپردازد ریشه در این مسئله داشت که وی امیدوار بود تا از این طریق یهودیان را به کیش پروتستان درآورد و از این طریق برتری مذهب پروتستان را بر مذهب کاتولیک نشان دهد.

(Marcus and Saperstein, 1999, pp.185-190)

3. Martin Luter, 1958, "Jesus Christ Was Born a Jew", in *Luter Works*, 55 Vol, USA: St. Louis, PP 199-229.

اسقف‌ها را مردمانی دیوانه می‌خواند. [...] و می‌گفت: اگر من یهودی بودم و مشاهده می‌کردم که چنان ابلهانی رهبر مسیحیان می‌باشند، حاضر بودم به خوکی تبدیل گردم اما مسیحی نشوم» (Martin Luther, Jewishencyclopedia.com)

انتشار کتاب لوتر پیامدهایی را برای یهودیان به ارمغان داشت که از جمله مهم‌ترین آن بهبود وضعیت رفتاری مسیحیان نسبت به یهودیان بود. لوتر از تمامی مسیحیان می‌خواهد که روابطی دوستانه با یهودیان برقرار کنند و بدین وسیله آنان را به کتاب مقدس راهنمایی نمایند (Martin Luther, Jewishencyclopedia.com). مدت کوتاهی پس از انتشار کتاب لوتر، عده‌ای از مارانوهای (Marranos: اشاره به یهودیانی دارد که به ظاهر به مسیحیت گرویده بودند). هلندی به ترجمه آن اقدام کردند و نسخه‌هایی از آن کتاب را «به برادران اسپانیایی» خود دادند (Edwards, p.134) تا بدین طریق از شدت یهودی‌ستیزی موجود در کشورهای مختلف به‌ویژه در اسپانیا بکاهند.^۱

امروزه جمعیت پروتستان‌ها را حدود ۵۹۰ میلیون نفر می‌دانند. آمریکای شمالی با داشتن ۱۷۰ میلیون پروتستان رتبه اول را در میان سایر مناطق جهان داراست (Protestantism, en.wikipedia.org)

برگزیده انگاشتن یهودیان توسط فرق منشعب از پروتستان‌تیسیم همچون پیوریتانیسم ادامه یافت. «پیوریتان نامی بود که در قرن شانزدهم به پروتستان‌های افراطی کلیسای انگلستان که می‌پنداشتند اصلاحات انگلیسی به اندازه کافی به اصلاح ساختار و عقیده کلیسا نپرداخته است، داده شد» (mb-soft.com). پیوریتانیسم توسط فردی پروتستان به نام ویلیام تیندل (William Tyndale) و به عنوان شاخه‌ای از کالوینیسم پایه‌گذاری گردید.

جان فوکس در کتاب خویش از ویلیام تیندل به عنوان «کشیش با ایمان کلیسا» (Foxe, p.176) یاد می‌کند که توانست تحصیلات خویش را در زبان‌شناسی در دو دانشگاه کمبریج و آکسفورد با موفقیت به پایان برساند. تیندل نیز مانند لوتر و کالوین که کتاب مقدس را به دو زبان آلمانی و فرانسوی ترجمه کرده بودند، توانست در سال ۱۵۲۵ بخشی از کتاب مقدس را به زبان انگلیسی ترجمه نماید تا از این رهگذر، عموم مردم بتوانند از آن استفاده کنند. ترجمه‌هایی که به اعتقاد کوپپر «واسطه قدرتمندی برای پیشرفت اصلاحات بود» (Kuiper, p.222)

دایره‌المعارف یهود، پیوریتانیسم را این چنین معرفی کرده است: «پیوریتانیسم که ساختار هنجارهای اخلاقی آن تماماً منطبق با تورات است، به عنوان یهودی‌گری انگلیسی نامیده می‌شود. دایره‌المعارف یهود از پیوریتانیسم ذیل سرفصل "هوداداران یهود" (Judaizers) سخن به

۲. برای مطالعه بیشتر رج:

- مارتینلی، فرانکو، تاریخ تفتیش عقاید، ۱۳۷۸، ترجمه ابراهیم صدقیانی، تهران: نشر جهان رایانه.

میان می‌آورد. در این فصل، واژه Judaizers چنین توضیح داده می‌شود که هواداران یهود کسانی هستند که در عین حالی که یهودی نیستند اما بخشی از آیین یهود و یا تمام آن را در زندگی خود به کار می‌برند و یا کسانی هستند که خود را یهودی می‌نامند» (صاحب خلق، صص ۳۵ و ۳۶).

پیوریتان‌ها از جمله معتقدان به سلطنت هزار ساله مسیح (ع) (Millenarianism) به شمار می‌روند. به همین علت پیورتن‌ها به محض آنکه توانستند با سرنگون کردن شاه انگلستان توسط کرامول، قدرت را به دست گیرند، خواستار بازگشت یهودیان به انگلستان شدند. به اعتقاد آنان این اصل در کتاب مقدس تصریح شده است که پیش از ظهور مجدد مسیح (ع) در آخرالزمان، یهودیان باید در تمام جهان پراکنده باشند.

باید توجه داشت که «از سال ۱۲۹۰ هنگامی که ادوارد اول یهودیان را از انگلیس [به اتهام رباخواری و استثمار مردم] اخراج کرد، رسماً هیچ یهودی در این کشور وجود نداشت. [...] اگرچه باید به این نکته عنایت داشت که از یک سو [بطور حتم برخی یهودیان در طول این دوره طولانی به صورت مخفیانه حضور داشتند. [و از سوی دیگر] مسیحیان کابالا، عملاً نفوذ عرفان یهودی در مسیحیت را نمایندگی می‌کردند.» (Yates(A), p 213)

به هر ترتیب، تلاش پیوریتان‌ها برای بازگرداندن یهودیان به انگلستان از آن جهت حائز اهمیت تلقی می‌گردد که ما را به ریشه‌های عبرانی پیوریتانیسم راهنمایی می‌نماید. چرا که، در واقع همین «الهام از کتاب مقدس و تمرکز بر عهد عتیق [...] بود که سبب گردید الیور کرامول با شوق برای [...] بازگشت رسمی یهودیان به انگلستان] تلاش نماید و حاخام آمستردام منشه بن اسرائیل^۱ را برای تسریع در این کار به انگلستان برگرداند» (Ibid, pp. 213-214).

۱. مناسه بن اسرائیل (۱۶۰۴ - ۱۶۶۷): او که در خانواده‌ای مارانو در پرتغال بدنیا آمد، «بیشتر عمر خویش را صرف یافتن مکانی جدید که یهودیان بتوانند اقامت گزینند، کرد. [...] او در سال ۱۶۵۰ کتاب "امید اسرائیل" (را به دو زبان لاتین و اسپانیایی) منتشر ساخت که این گمان را مطرح می‌کرد که اسباط ده‌گانه گمشده در جنوب آمریکا دیده شده‌اند. این کار در سه چاپ انگلیسی منتشر گردید، و بحث بر روی احتمال بازگشت یهودیان به انگلستان را شدت بخشید. در نظر منشه این نشانه‌ای از اتمام پیشگویی راجع به بازگشت مجدد مسیح (ع) بود. به همین جهت او به موفقیت پیوریتان‌ها در انگلستان به عنوان نشانه امیدواری می‌نگریست. [در همین راستا] او یک عریضه به شورای دولتی لندن فرستاد». این عریضه توجه کرامول را به خود جلب کرد و سبب گردید تا کرامول که خود از جمله پیوریتان‌ها بود از منشه برای تسریع در بازگشت یهودیان به انگلستان دعوت نماید. چراکه به اعتقاد پیوریتان‌ها پخش شدن یهودیان در تمام جهان از جمله نشانه‌های ظهور به شمار می‌رفت.

Joan Comay, Lavinia Cohn-Sherbok, *Who's Who in Jewish History*, U.S.A: Routledge, 1995, p 245.

نکته دیگری که در ارتباط با پیوریتانیسم باید مورد توجه قرار گیرد، آن است که این فرقه از جمله جریاناتی است که تحت نفوذ عرفان یهودی به کابالا^۱ گرایش یافته است. مسیحیان کابالا، عملاً نفوذ عرفان یهودی را در رنسانس نمایندگی می‌کردند (Ibid).

در توضیح علت نفوذ عرفان یهودی در مسیحیت، نویسندگان به مسائل متعدد توجه نموده‌اند که از آن جمله می‌توان به نقش مسیحیان مارانو یعنی مسیحیانی که به ظاهر به مسیحیت گرویده بودند (Ibid) و عهد عتیق اشاره کرد. در واقع، «عهد عتیق نوعی از پاراسایی را برای پیوریتان‌ها و کالونیست‌ها الهام‌بخشی می‌کرد که قابل ادغام با کابالا بود» (Yates (B), p 286)

در انتها باید این نکته را نیز متذکر شد که پیوریتان‌ها در زمره نخستین مهاجران انگلیسی به قاره جدید - آمریکا - بودند. آنها در سال ۱۶۲۰ نخستین کلنی پیوریتانی در آمریکا را به نام ماساچوست تأسیس کردند. رویکردهای عهد عتیقی پیوریتانیسم تا به آن اندازه بود که پیوریتان‌ها در ابتدا قصد داشتند نام نیواسرانیل را به سرزمین آمریکا بدهند.^۲ نوام چامسکی در کتاب خویش با عنوان "سال ۵۰۱ اشغال ادامه دارد" به این اعتقاد پیوریتان‌ها اشاره کرده و یادآور می‌شود که پیوریتان‌ها به آمریکا همچون سرزمین موعود می‌نگریستند که می‌بایست از لوث سرخپوستان پاک گردد.^۳

نفوذ پیوریتانیسم در نخستین کلونی‌نشین‌ها تا به آن اندازه بود که دایره‌المعارف بریتانیکا در این رابطه می‌نویسد: «هیچ کلونی وجود نداشت که نفوذ پیوریتان‌ها در آن، یکی از دیگری قوی‌تر بود. برآوردها نشان می‌دهد که ۸۵ درصد از کلیساهای ۱۳ کلنی نخستین ماهیتاً پیوریتان بودند.» (Encyclopedia Britanica CD).

۱. «کابالا (Cabala) یا کابالا (Cabbala) یک دکتین و یک اصول عقاید سری و باطنی است که بر تأویل و تفسیرهای عبرانی و یهودی از کتاب مقدس - شامل تورات و انجیل - استوار بوده، ریشه نزد احبار و شاخام‌های یهودی داشته و به طور گسترده‌ای به اروپای قرون وسطی تزیق و از آنجا توسط پیوریتان‌های دل‌داده به یهودیت، به آمریکای شمالی منتقل شد.» (دوست محمدی، ص ۴۲).

۲. منابع بسیاری به این اعتقاد پیوریتان‌ها اشاره نموده‌اند که از آن جمله می‌توان موارد زیر را برشمرد:

- Rob Kroes, 1996, *If You've Seen One, You've Seen Them All: Europeans And American Mass Culture*, U.S.A: University of Illinois Press, p 8.
- Judith Mitchell Buddenbaum, 1998, *Reporting News About Religion: An Introduction for Journalists*, U.S.A: Blackwell Publishing, p 5.
- Roland Herbert Bainton, 2000, *Christianity*, U.S.A: Houghton Mifflin Books, p 375.
- John B. Judis, 2001, *The Paradox of American Democracy*, U.S.A: Taylor & Francis, p 257.
- Manuel Castells, 2004, *The Power of Identity*, U.S.A: Blackwell Publishing, p 27.

۳. برای کسب اطلاعات بیشتر پیرامون نظرات نوام چامسکی به منبع زیر مراجعه فرمایید:

- Noam Chomsky, 1993, *The Year 501: The Conquest Continues*, U.S.A: South End Press

به اعتقاد پاره‌ای از صاحب‌نظران همچون دکتر استفان سایزر استاد دانشگاه لندن و واتر، اسقف کلیسای ویرجینیا، امروزه مسیحیت صهیونیستی ۲۵ درصد از جمعیت مسیحیان آمریکا را به خود اختصاص داده است (گفتگو با دکتر استفان سایزر، ماهنامه موعود، شماره ۸۲). مرکز اصلی فعالیت این گروه در ایالات متحده، جنوب این کشور است که جری فالول از آن به عنوان «کمبرند انجیلی» یاد می‌کند. اکثر مسیحیان صهیونیست طرفدار حزب جمهوری خواه هستند به گونه‌ای که نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد در سال ۱۹۹۹، ۳۳ درصد از اعضای حزب جمهوری خواه از طرفداران این جریان بوده‌اند (ChristianZionism.org). شعار مسیحیان صهیونیست از سال ۱۹۷۹ این بود که هنگام آن فرا رسیده است که برای تغییر مسیر آمریکا مسیحیان متدین از کلیسا وارد کنگره شوند. مسیحیت صهیونیستی دولت ایالات متحده را در دو بعد داخلی و خارجی در جهت نیل به اهداف خود تحت فشار قرار می‌دهد:

در حوزه داخلی، مسیحیت صهیونیستی با تحت فشار قرار دادن دولت، خواهان وضع و یا نسخ پاره‌ای از قوانین که در تباین و یا تلازم با مذهب قرار دارند، است. در واقع، مسیحیت صهیونیستی می‌کوشد تا جامعه آمریکا را بر مبنای قوانین انجیلی بازسازی نماید.

در بعد خارجی، مسیحیت صهیونیستی با تحت فشار قرار دادن دولت اهداف چندگانه را دنبال می‌کند که از جمله مهم‌ترین آنها تحت فشار قرار دادن دولت آمریکا در جهت حمایت کامل از اسرائیل و افزایش سطح همکاری‌های استراتژیک با این کشور است. «مسیحیت صهیونیستی [...] از این ادعا که دولت اسرائیل می‌باید کنترل تمام سرزمین مورد مشاجره میان فلسطینیان و اسرائیلی‌ها را به دست بگیرد، حمایت می‌کند. مسیحیت صهیونیستی ایجاد و توسعه دولت مدرن اسرائیل را به مثابه اجراء پیشگویی کتاب مقدس برای بازگشت دوم مسیح در نظر می‌گیرد» (ChristianZionism.org).

مسیحیان صهیونیست برای نیل به این اهداف از ابزارهای گوناگون مدد جستجو می‌کنند که می‌توان این ابزارها را در حوزه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مورد بررسی کرد. مثلاً در حوزه فرهنگی، مسیحیان صهیونیست تلاش کرده‌اند با استفاده از رسانه‌ها، افکار عمومی را در جهت اهداف خود تحت تأثیر قرار دهند و یا با تأسیس مؤسسات آموزشی، از آن‌ها برای تربیت متخصصان با اعتقادات دینی جهت احراز پست‌های کلیدی بهره برداری نمایند.

مبانی عقیدتی مسیحیت صهیونیستی

یکی از محورهای مهم در شناخت مسیحیت صهیونیستی، شناخت مبانی عقیدتی این گروه‌ها می‌باشد. مسیحیان صهیونیست از جمله گروه‌هایی هستند که در زمره تقدیرگرایان

(Dispensationalism) یا مشیت‌گرایان قرار می‌گیرند. بدین معنا که به اعتقاد مسیحیان صهیونیست خداوند مقرر کرده است که بشر باید هفت مرحله یا هفت مشیت الهی را از سر بگذراند تا به بازگشت دوم حضرت مسیح (ع) در آخرالزمان ختم شود. این مراحل عبارتند از:

۱- بازگشت یهودیان به فلسطین: مسیحیان صهیونیست از مدت‌ها پیش از ایجاد دولت یهود در اراضی فلسطین اشغالی، یهودیان را به مهاجرت به فلسطین ترغیب و وادار می‌کردند. دایره‌المعارف بریتانیکا به این موضوع بدین‌گونه اشاره کرده است: «در قرورن شانزدهم و هفدهم تعدادی از مسیحیان تلاش کردند تا یهودیان را به بازگشت به فلسطین مجبور کنند» (Zionism, Encyclopedia Britanica CD). این دایره‌المعارف در ادامه تصریح دارد: «علاقه به بازگشت یهودیان به فلسطین غالباً توسط مسیحیان معتقد به سلطنت هزار ساله مسیح (Christian Millenarians) زنده نگاه داشته شده بود (Ibid). شیلا اسپکتور نیز در کتاب خویش در توضیح علت علاقه مسیحیان در مهاجرت دادن یهودیان، این فرض را بیان می‌دارد که مسیحیان با استناد به متون کتاب مقدس «می‌پنداشتند که بازگشتن یهودیان از تبعیدگاهشان امری حتمی است» (Spector, p 33).

۲- ایجاد دولت یهود و بنای مجدد معبد سلیمان: مسیحیان صهیونیست با اعتقاد به این مسئله که «تاریخ هدایت شده بوسیله خداوند است» (Raskas, p.199)، تشکیل دولت صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ را نه به مثابه یک تصادف تاریخی، بلکه همچون نشانه‌ای که حاکی از اتمام کلمه خداوند بود، در نظر گرفتند. به عنوان مثال، "سفارت بین‌المللی مسیحیت بیت‌المقدس" (International Christian Embassy Jerusalem) با انتشار سندی با عنوان "چرا ما از اسرائیل حمایت می‌کنیم" (Why We Support Israel) همین مسئله را خاطر نشان ساخته و می‌نویسد: «ما به صهیونیسم اعلام می‌کنیم که روز استقرار مجددش یک تصادف تاریخی نیست، بلکه اتمام کلام خداوند هست» (Why We Support Israel, ICEJ.org). مسیحیان صهیونیست معتقدند که یهودیان پس از آنکه توانستند کنترل تمامی سرزمین فلسطین را به دست آورند، باید «معبد [سلیمان] را که در سال ۷۰ میلادی نابود گردید، مجدداً بنا نمایند» (Moody, P 542). در همین راستا بارها شاهد تلاش صهیونیست‌ها (اعم از یهودی و غیریهودی) برای تخریب بیت‌المقدس بوده‌ایم، چرا که به اعتقاد این گروه، بیت‌المقدس بر خرابه‌های معبد سلیمان استوار نباشد.

۳- حصول مرحله شَعَف (Rapture) که اشاره به بازگشت مسیح برای خروج مسیحیان از زمین قبل از فاجعه آرماگدون دارد. اگرچه پاره‌ای از پژوهشگران مسیحی الهیات شَعَف را به عنوان تحریفی از ایمان مسیحی در نظر می‌گیرند، اما به اعتراف همین گروه این الهیات که بر پایه روانشناسی ترس و خرابی استوار است، روزانه، راهنمای فعالیت هزاران - اگر نگوئیم

میلیون‌ها - نفر از مردم آمریکای شمالی و سرتاسر جهان است.^۱ در ایالات متحده آمریکا نیز این تئوری به «نیروی قدرتمند در سیاست این کشور بدل شده است [به گونه‌ای] که گهگاه حکومت بوش - که بر حمایت مسیحیان راست متکی می‌باشد - سخن از آن به میان می‌آورد.» (Armstrong, p.215) این تئوری از آن جهت حائز اهمیت قلمداد می‌شود که مسیحیان صهیونیست برای نیل به آن، حمایت سیاسی جدی را از یهودیان به عمل می‌آورند چرا که یهودیان از جمله عناصر اصلی در تحقق بخشیدن به این مراحل می‌باشند.

۴- تبلیغ انجیل برای یهودیان و دیگر مردم دنیا که در نتیجه آن یک سوم از یهودیان به مسیحیت خواهند گروید. «یهودیان صهیونیست از برنامه‌های مسیحیان صهیونیست درباره خودشان خشنود نیستند [چرا که به اعتقاد آنان] هنگامی که مسیح بازگردد، حدود یک سوم از یهودیان اسرائیل به مسیحیت تغییر آئین داده؛ و دو سوم دیگر در جنگ آرماگدون نابود خواهند شد» (Burr And Others, p.109). البته باید توجه داشت که «اغلب یهودیان این الهیات مسیحیت صهیونیستی را جدی نمی‌گیرند با این حال، آن‌ها از حمایت سیاسی اینان به طور جدی بهره‌مند می‌شوند» (Ibid).

۵- عصر محنت (Tribulation): براساس عقاید مسیحیان صهیونیست عصر محنت «دوره‌ای است که معمولاً هفت سال در نظر گرفته می‌شود و در آن ضد مسیح (Antichrist) به قدرت می‌رسد و جهان بوسیله جنگ، بیماری، زمین لرزه، حاکمیت تبهکاری و دیگر زشتی‌ها نابود خواهد شد» (abhota.info). «در طول عصر محنت [...] خداوند کسانی را که از او پیروی ننموده‌اند، تنبیه خواهد نمود» (leftbehind.com) و «ضد مسیح سبب خواهد شد تا یهودیان، مسیحیان بدکار و تمامی کافران، وحشت و بدبختی ناگفته‌ای را تحمل نمایند» (Clark, p.62). مسیحیان صهیونیست برای اثبات مدعای خود درباره حقیقت این عصر، به جملاتی از کتاب مقدس اشاره می‌نمایند که از آن جمله می‌توان به نامه دوم پولس به مسیحیان تسالونیک‌ی اشاره کرد که در باب دوم آن سخن از ضد مسیح به میان آمده است. در این باب ضد مسیح با صفاتی چون مرد جهنمی، مدعی خداوندی و ... مشخص شده است که شورشی را بر ضد خدا به راه خواهد انداخت (کتاب مقدس، دوم تسالونیکیان، باب دوم). این دوره سرانجام به نبرد نهایی آرماگدون منتهی خواهد شد.

۶- آرماگدون (Armageddon): آرماگدون یا حارمجدون از ریشه مجدو گرفته شده است که نام محلی در فلسطین اشغالی است. «مجدو» در ۱۸ مایلی "بندر حیفا" [...] و ۵۵ مایلی

۱. برای مطالعه بیشتر رج:

شمال بیت المقدس واقع است» (آست، ماهنامه موعود، شماره ۳۲). به اعتقاد مسیحیان صهیونیست در آخرالزمان جنگی در این منطقه بین نیروهای خیر و شر به وقوع خواهد پیوست که به تعبیر گوپین سرانجام آن نابودی دشمنان خداوند به طور کامل و به وحشتناک‌ترین راه‌های قابل تصور است (Gopin, p.10). امروزه حارمجدون از آن جهت حائز اهمیت تلقی می‌شود که هر روزه تعداد بیشتر از مردم جذب آن می‌شوند. «برآورد مؤسسه تلسن نشان می‌دهد که در سال ۱۹۸۵، ۶۱ میلیون آمریکایی در انتظار آرماگدون به سر می‌برند» (porseman.net). گریس هالسل که به حکم تقدیر، خود روزگاری در کاخ سفید مشغول به کار بوده است، در کتاب خویش تحت عنوان «تدارک جنگ بزرگ» با اختصاص فصلی مستقل، ضمن ارائه استنادات بسیار نشان می‌دهد که ریگان از جمله معتقدان راستین به این الهیات بوده است. هالسل در این فصل کوشیده است تا با ذکر مصادیقی، ایمان ریگان به آرماگدون را روشن نماید. از جمله مهمترین این مصادیق که هالسل به آن پرداخته است گفتگوی ریگان در زمان فرمانداری کالیفرنیا با جیمس میلز رییس مجلس سنای ایالتی در ضیافت شام، در سال ۱۹۷۱ است. «ریگان به میلز گفته بود: "همه پیشگویی‌های دیگر که باید پیش از هارمجدون تحقق پیدا کنند، عملی شده‌اند [...] و نخستین بار است که همه چیز برای تحقق هارمجدون و دومین ظهور مسیح در جای خودش قرار گرفته است» (هالسل، صص ۸۰ و ۸۱). به اعتقاد مسیحیان صهیونیست از آنجا که آمریکا در واقعه آرماگدون دارای نقش اساسی است، از این روی آن‌ها همواره از افزایش بودجه نظامی و قدرتمند شدن این کشور حمایت می‌کنند و ضمن برحذر داشتن واشنگتن در از بین بردن سیستم‌های تسلیحاتی خود، خواهان توقف آن می‌باشند.

۷- شکست دجال و پیروزی مؤمنان و استقرار پادشاهی مسیح به مدت هزار سال در بیت‌المقدس (هزاره‌گرایی) (Millenarianism): عقیده هزاره‌گرایی مبتنی بر این ادعا است که «در این عصر [عصر هزاره خوشبختی] مسیح (ع) پس از غلبه بر مملکت شر و ایمان آوردن یک سوم یهود به او، مملکت خداوند در زمین را بر پا و این مملکت تحت حاکمیت و رهبری مسیح هزار سال حکومت خواهد کرد» (النجیری، ص ۷۰). عده‌ای از نویسندگان، هزاره‌گرایی را دارای ماهیتی پیشا انقلابی دانسته‌اند چرا که حفظ وضع موجود را دارای ماهیتی مضر دانسته و بر تغییر و تحول تأکید دارد (Hotson, p. 1). «گروه‌های هزاره‌گرا به صورت رمزآلود، ادعاهایی دارند مبنی بر اینکه جامعه معاصر و حکمرانانش فاسد و غیرعادل هستند. به همین دلیل، معتقدند که آنها به زودی به وسیله نیروی قدرتمندی نابود خواهند شد» (en.wikipedia.org). اگرچه هزاره‌گرایان معتقد بودند که تاریخ هدایت شده است و در نهایت مسیح(ع) مجدداً ظهور خواهند کرد اما در برخی موارد هزاره‌گرایان کوشیده‌اند تا با اقدامات خود این تحولات را سرعت بخشند. از جمله این اقدامات، تلاشی بود که در ۹ آوریل سال ۱۹۹۳ در شهر واکو

آمریکا توسط فرقه "شاخه دیویدی‌های" (Branch Davidians) به وقوع پیوست که در جریان آن دیوید کوروش رهبر این فرقه به همراه ۷۳ تن از پیروانش پس از ۵۱ روز محاصره FBI، در آتش سوختند. در واقع، دیوید کوروش با به آتش کشیدن مجتمع شاخه دیویدی‌ها می‌خواست تابعیت خود را از مشیت و اراده خداوند به نمایش بگذارد. به عبارت دیگر، او می‌خواست «در عمل اثبات نماید که این جزئی از طرح پرودگار برای پایان تاریخ و ظهور مسیح یهودی است» (هلال، ص ۲۷۱).

نتیجه

مسیحیت صهیونیستی با جمعیتی حدود ۲۵ درصد از جمعیت کل مسیحیان آمریکا، امروزه توانسته است با ایجاد و توسعه سازمان‌های مختلف همچون «سفارت بین‌المللی مسیحیت بیت‌المقدس»، «مسیحیان متحد برای اسرائیل» (Christians United for Israel) و ... گامی مؤثر در جهت حمایت بی‌قید و شرط از اسرائیل برداشته و دولت را در این مسیر تحت فشار قرار دهد. آنچه مسلم است، این حمایت همه‌جانبه از اسرائیل توسط مسیحیان صهیونیست ریشه در بینش عقیدتی آنان دارد. چرا که مسیحیان صهیونیست از جمله گروه‌های تقدیرگرا هستند. بدین معنا، به اعتقاد آنان خداوند مقرر کرده است که بشر می‌باشد هفت مشیت را از سر بگذراند تا به ظهور مسیح (ع) در آخرالزمان منتهی گردد. از دیدگاه مسیحیان صهیونیست اسرائیل بیشترین نقش را در تحقق مراحل اولیه این پیشگویی‌های تحت‌اللفظی از کتاب مقدس دارد.

منابع و مآخذ:

الف. فارسی

- ۱- آست، جرولد، *آیا واقعه آرمادگدون پایان جهان است؟*، ترجمه: فاطمه شفیعی سروستانی، تهران: ماهنامه موعود، شماره ۳۲.
- ۲- دوران، ویل، (۱۳۶۷)، *تاریخ تمدن: قیصر و مسیح*، ترجمه: حمید عنایت و دیگران، تهران: سازمان آموزش و انتشارات انقلاب اسلامی، چاپ دوم.
- ۳- دوست محمدی، احمد، (۱۳۸۶)، ریشه‌های ایدئولوژیکی و تاریخی شکست طرح‌های صلح خاورمیانه، فصلنامه سیاست (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی)، سال ۳۷، شماره ۱.
- ۴- <http://porseman.net/default.aspx?namayesh=607>
- ۵- صاحب‌خلق، نصیر، (۱۳۸۳)، *پروتستانیزم، پیوریتانیزم و مسیحیت صهیونیستی*، تهران: انتشارات هلال.
- ۶- عزیزان، مهدی، *فرهنگ واژه‌ها (پروتستانیزم)*، بی‌جا: مجله مبلغان، شماره ۵۹.
- ۷- *کتاب مقدس*:
 - *اعمال رسولان*، ۱۱: ۲۶.
 - *انجیل متی*، ۵: ۱۷-۲۰ و ۲۷: ۱-۲۷.
 - *دوم تسالونیکیان*، باب ۲.

- ۸- گارودی، رژه، (۱۳۷۹)، «تجانس آمریکایی - اسرائیلی: ایالات متحده مستعمره اسرائیل» از مجموعه مقالات سمینار *روند اشغال فلسطین*، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۹- مارتینلی، فرانکو، (۱۳۷۸)، *تاریخ تفتیش عقاید*، ترجمه ابراهیم صدقیانی، تهران: نشر جهان رایانه.
- ۱۰- *مسیحیت صهیونیستی از نظر تا عمل*، گفتگو اختصاصی با دکتر استفان سایزر، مترجم: فاطمه شفیعی، تهران: ماهنامه موعود شماره ۸۲.
- ۱۱- النجیری، محمود، (۱۳۸۴)، *آرمگدون: نبرد آخرالزمان به روایت مسیحیان صهیونیست*، مترجمین: قیس زعفرانی و رضا عباسپور، تهران: انتشارات هلال.
- ۱۲- هاکس، جیمز، (۱۳۷۷)، *قاموس کتاب مقدس*، تهران: انتشارات اساطیر.
- ۱۳- هالسل، گریس، (۱۳۷۷)، *تدارک جنگ بزرگ (بر اساس پیشگویی‌های انبیای بنی‌اسرائیل)*، ترجمه: خسرو اسدی، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- ۱۴- هلال، رضا، (۱۳۸۳)، *مسیحیت صهیونیست و بنیادگرایی آمریکا*، مترجم: احمد جنتی، قم: نشر ادیان.

ب. خارجی:

- 1- Armstrong, Karen. (2007), *The Bible: A Biography*, USA: Atlantic Monthly Press.
- 2- Bainton, Roland Herbert. (2000), *Christianity*, U.S.A: Houghton Mifflin Books.
- 3- Bowers, Morris Glen. (2005), *Israel: The 51st State: ...the Unspoken Foreign Policy of the United States Of America*, U.S.A: iUniverse.
- 4- Buddenbaum, Judith Mitchell. (1998), *Reporting News About Religion: An Introduction for Journalists*, U.S.A: Blackwell Publishing.
- 5- Burr, Elizabeth And Smith, David Whitten And Burr, Elizabeth Geraldine. (2007), *Understanding World Religions: A Road Map for Justice and Peace*, USA: Rowman & Littlefield.
- 6- Castells, Manuel. (2004), *The Power of Identity*, U.S.A: Blackwell Publishing.
- 7- Chomsky, Noam. (1993), *The Year 501: the conquest continues*, U.S.A: South End Press.
- 8- Clark, Victoria. (2007), *Allies for Armageddon: The Rise of Christian Zionism*, USA: Yale University Press.
- 9- Comay, Joan. And Sherbok, Lavinia Cohn. (1995), *Who's Who in Jewish History*, U.S.A: Routledge.
- 10- Edwards, Mark. (1983), *Luther's Last Battles: Politics and Polemics*, USA: Brill Archive.
- 11- Foxe, John. (1967), *Fox's Book of Martyrs: A History of the Lives, Sufferings, and Deaths of the Early Christian and Protestant Martyrs*, U.S.A: Zondervan.
- 12- Gopin, Marc. (2000), *Between Eden and Armageddon: The Future of World Religions, Violence, and Peacemaking*, New York: Oxford University Press.
- 13- Hotson, Howard. *Paradise Postponed: Johann Heinrich Alsted and the Birth of Calvinist Millenarianism*, (Kluwer Academic Publishers).
- 14- <http://en.wikipedia.org/wiki/Millenarianism>.
- 15- <http://en.wikipedia.org/wiki/Protestantism>
- 16- <http://www.abhota.info/endgloss.htm>
- 17- [http://www.christianzionism.org/DocBrochure/ Brochure ColorEnglish.pdf](http://www.christianzionism.org/DocBrochure/Brochure%20ColorEnglish.pdf).
- 18- <http://www.leftbehind.com/channelendtimes.asp?pageid=852&channelID=71>
- 19- <http://www.mb-soft.com/believe/txc/puritani.htm>
- 20- Jacob Rader Marcus and Marc Saperstein, (1999), *The Jew in the Medieval World*, USA: Hebrew Union College Press.
- 21- Judis, John B. (2001), *The Paradox of American Democracy*, U.S.A: Taylor & Francis.

- 22- Kroes, Rob. (1996), *If You've Seen One, You've Seen the Mall: EUROPEANS AND AMERICAN MASS CULTURE*, U.S.A: University of Illinois Press.
- 23- Kuiper, B. K. (1993), *The Church in History*, U.S.A: Wm. B. Eerdmans Publishing.
- 24- Luter, Martin. (1958), *"that jesus christ was born a jew"*, in *Luter works, 55 Vol*, USA: St. Louis, PP 199-229.
- 25- Marks, Darren C. And McGrath, Alister E. (2004), *The Blackwell Companion to Protestantism*, U.S.A: Blackwell Publishing.
- 26- *Martin Luther*, <http://www.jewishencyclopedia.com/view.jsp?artid=631&letter=L&search=martin%20luther>
- 27- Mearsheimer, John J. And Walt, Stephen M. (2007), *The Israel Lobby And U.S. Foreign Policy*, USA: Farrar, Straus and Giroux.
- 28- Moody, Dale. (1990), *The Word of Truth: A Summary of Christian Doctrine Based on Biblical Revelation*, USA: Wm. B. Eerdmans Publishing.
- 29- Raskas, Bernard Solomon. (2001), *Seasons of the mind*, U.S.A: Lerner Publications Company.
- 30- Rossing, Barbara R. (2004), *The Rapture Exposed: The Message of Hope in the Book of Revelation*, USA: Westview Press.
- 31- Spector, Sheila A. (2001), *Wonders Divine: The Development of Blake's Kabbalistic Myth*, U.S.A: Rosemont Publishing & Printing Crop.
- 32- *Why We Support Israel*, [Http://www.ICEJ.org](http://www.ICEJ.org). 24/8/1384
- 33- Yates (A), Frances Amelia. (2001), *The Occult Philosophy in the Elizabethan Age*, U.S.A: Routledge.
- 34- Yates (B), Frances Amelia. (2001), *The Rosicrucian Enlightenment*, U.S.A: Routledge.
- 35- *Zionism*, (2000), Encyclopedia Britanica.CD.

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی منتشر شده است:
 «انقلاب اسلامی، تجدید حیات اسلام و نظریه برخورد تمدن‌ها»، سال ۸۰، شماره ۵۴؛ «ساکنان و صاحبان اولیه و اصلی سرزمین فلسطین»، سال ۸۲، شماره ۶۱؛ «ریشه‌های ایدئولوژیکی و تاریخی شکست طرح‌های صلح خاورمیانه» سال ۸۶، شماره ۱؛ «زمینه‌های گفتمانی عروج بنیادگرایی اسلامی در جهان عرب»، شماره ۳، پاییز